

# انتخابات مهره چینی شده را می توان خنثی کرد

محمد توسلی در مصاحبه با روز

سه شنبه ۱۸ دی ۱۳۸۶ [۲۰۰۸.۰۱.۰۸]

مهندس محمدتوسلی، عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران و اولین شهردار تهران پس از انقلاب در گفت وگوبا روز تاکید می کند که علی رغم انتقاد نسبت به شورای نگهبان و عملکرد وزارت کشور، معتقد است اگر مردم درانتخاب شرکت کنند، سناریویی که محافظه کاران برای برگزاری یک انتخابات مهره چینی شده و فرمایشی طراحی کرده اند، تاحدودی خنثی می شود. متن این مصاحبه در پی می آید.

**آقای پورمحمدی وزیر کشور اعلام کرده که تنها احزاب و گروه های سیاسی شناسنامه دار می توانند درانتخابات شرکت کنند. شما به عنوان نهضت آزادی چه تفسیری از این اظهارات دارید؟**

وقتی وزارت کشور موضوع احزاب شناسنامه دار را مطرح می کند، احتمالاً نظرش همان نهضت آزادی ایران است، برای اینکه نهضت آزادی ویا سایر گروه های اپوزیسیون داخل کشور نتوانند در انتخابات حضور پیدا کنند. درگذشته منطبق وزارت کشور یا مسئولانی که نمی خواستند نهضت آزادی در انتخابات شرکت کند این بود که می گفتند نهضت غیرقانونی است. گاهی به نامه منتسب به امام استناد می کردند، گاهی هم به چیزهای دیگر. ما در مصاحبه های متعدد به صورت مستدل گفتیم که آن نامه غیرقابل استناد است و نمی تواند مستند چنین اظهار نظرهایی باشد. درخصوص این هم که نهضت را غیرقانونی می دانند به دلیل اینکه پروانه یا مجوز ندارد، توضیح مفصلی داده ایم که طبق مواد قانون اساسی و قانون احزاب، فعالیت احزاب در داخل کشور نیازی به مجوز ندارد، بلکه وزارت کشور تنها باید پروانه صادر کند که ما هم این درخواست را درسالهای ۶۷ و ۶۸ بعد از تصویب قانون احزاب دادیم. بنابراین سخنانی که توسط وزیرکشور مطرح شده خلاف قانون اساسی و قانون احزاب است.

**الان بحث مجوزمطرح می شود ویانامه آیت الله خمینی؟**

الان این دو منطبق را کنار گذاشته اند و می گویند فقط احزاب شناسنامه دارمی توانند درانتخابات شرکت کنند، چون حربه شان درارتباط با غیرقانونی بودن نهضت و بحث مجوز کند شده است. به این معنی که سیاهه ای از احزابی را که از نظرشان شناسنامه دارند دروب سایت وزارت کشور منتشر می کنند و می گویند اینها می توانند در انتخابات شرکت کنند وبقیه نمی توانند. این کار وزارت کشور نقض اصل ۲۶ قانون اساسی و قانون احزاب است. اما نهضت آزادی اعتقاد دارد با وجودی که آنها نمی خواهند احزاب خارج از حاکمیت در انتخابات شرکت کنند، ما بایستی کماکان برحضور درانتخابات اصرار داشته باشیم. چون این یک حق ملی است و اگر اینها بخواهند ما را از این حق ملی محروم کنند ما باید درمقابل از حقوق اساسی ملت پاسداری و از آن صیانت کنیم.

برهمن اساس است که به رغم همه انتقاداتی که به شورای نگهبان و رفتار و عملکرد وزارت کشورداریم، و به رغم برگزاری انتخابات های ناسالم و غیرآزاد مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم، در راستای همین سیاست راهبردی، اصرار داریم که در بحث انتخابات ایستادگی واز اقداماتی که خلاف قانون انجام می شود، جلوگیری کنیم.

اینکه نظام سیاسی چنین حذف خودآگاهی را توسط برخی نهادها مانند شورای نگهبان انجام می دهد، چه تبعات و مخاطراتی را متوجه کشور می کند؟

فکر می کنم پیامدهای محروم کردن بخشی مهمی از جامعه مدنی ایران از شرکت درانتخابات دقیقاً درجهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی و کاهش مشروعیت آن است. چنین روندی موجب می شود که هم درداخل و هم درسطح جهانی، اعتبار جمهوری اسلامی کاهش پیدا کند و بنابراین فشارهای بین المللی برایران افزایش یابد. ازجمله شواهد تضعیف نظام جمهوری اسلامی می توان به فشاری که روسیه درریای خزر وارد کرده اشاره داشت که درشرایطی که ما در موضع ضعف هستیم، می خواهند سهم ایران را از وضعیت ۵۰-۵۰ به کمتر از بیست درصد و به قول وزیر امورخارجه به ۱۱.۲ درصد کاهش بدهند. درجنوب کشور در حوزه کشورهای خلیج فارس فشارهای خود را افزایش داده اند و با حضور رییس جمهوری ما قطعنامه علیه تمامیت ارضی کشور صادر می کنند. آقای طالبانی درغرب کشور، در عراق که این همه روی آن سرمایه گذاری کردیم و ارتباط نزدیکی با آنها داریم بحث بی اعتبار بودن قرارداد الجزایر را مطرح و صحبت لغو آن رامی کند. اگر چه بعداً خواستند این بحث را با توضیحاتی اصلاح کنند، اما عملاً طرح چنین مباحثی، موضع گیری آنها را در قبال جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد.

درسطح جهانی هم مشخص است که چین و روسیه و بازار مشترک هم علاوه بر آمریکا از ضعیف شدن پایه های مردمی جمهوری اسلامی سوء استفاده می کنند که این در راستای منافع ملی ایران نیست. بنابراین احزاب و گروه های سیاسی که به فکر نسل های آینده کشور هستند باید درمقابل این روند ایستادگی کنند و تسلیم آن نشوند.

چه نگرانی هایی باعث می شود که بخشی از حاکمیت چنین هزینه ای را در سطوح مختلف متحمل شود اما از مشارکت بخش هایی از نیروهای فعال جامعه مدنی و جامعه سیاسی جلوگیری کند؟

فکر می کنم نگرانی شان این است که اگر انتخابات آزاد و سالم برگزار شود آنها جایگاهشان تضعیف می شود. برای حفظ موقعیت خودشان است که قانون اساسی و معیارهای شناخته شده جهانی را در برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه نقض می کنند. یعنی فکر نمی کنم این بخش به جز بقای خود به ارزش دیگری فکر کند. صرفاً بحث بقا است. من فکر می کنم همه نظام های اقتدارگرا چنین اندیشه ای دارند. اما این کوتاه مدت خواهد بود. آنچه که اتفاق خواهد افتاد چیزی نیست که در راستای منافع ملی باشد. توصیه مشفقانه ما به مسئولان جمهوری اسلامی این بوده که مقداری به تاریخ بیشتر توجه و تجربیات گذشته را مرور کنند و اجازه ندهند آنچه خیر و صلاح مملکت نیست رخ دهد. ما همیشه در طی سی سال گذشته در جایگاه اپوزیسیون قانونی همین خط مشی را داشته ایم. ما کوشش کرده ایم مشفقانه به مسئولان جمهوری تذکر دهیم که تسلیم قانون و اراده ملت شوند چون این ارزشی است که پایدار است و حتی می تواند ادامه حضور آنها را در قدرت بیشتر تضمین کند. یعنی احتمالش از این راه خیلی بیشتر است تا اینکه روش هایی را به کار ببرند که همراه با نقض حقوق اساسی ملت است. این حرف ها گهگاه موثر بوده ولی در عمل و در انتخابات مجلس نشان داده شده که کماکان دنبال این روش هستند و ما این را چالشی برای مسئولان نظام می دانیم و هشدار می دهیم تا آنجا که می توانند پروا پیشه کنند و خلاف منافع ملی عملی انجام ندهند.

با توجه به اظهارات وزیر کشور، نهضت آزادی هنوز هم بر شرکت درانتخابات پافشاری می کند؟

ما در بیانیه اخیرمان هم تصریح کردیم که حضورمان درانتخابات را برای رسالت آگاهی بخشی خودمان ضروری می دانیم. نوع رویکردمان هم بستگی به شرایط دارد. یعنی تاکتیکی است که در راستای استراتژی کلی خودمان انتخاب می کنیم. ما فکر می کنیم نیروهای ملی هم باید در این مرحله ثبت نام کنند و خود را تسلیم این اقدامات

خلاف قانون نکنند تا به جای اینکه هزینه اش را ملت پرداخت کند، شورای نگهبان و کسانی پرداخت کنند که خلاف قانون صلاحیت افراد را رد می کنند.

شما اشاره به لزوم تجربه اندوزی از روندهای مختلف در تاریخ کردید. چنین نگاه تاریخی شامل چه رویدادهایی می شود؟

به نظرم بعد از انقلاب، دوره مشروطه شاید دوره تاریخی آموزنده ای باشد برای دیدن این واقعیت که حاکمانی که خواهند تسلیم اراده ملت بشوند به چه سرنوشتی دچار می شوند. این یک تجربه تاریخی است و فکر می کنم مخاطبین شما همه با این تجربه آشنا هستند. دیگر تجربه اینکه بعد از کودتای ۲۸ مرداد با اینکه رژیم کودتا حاکم بود، ولی نهضت مقاومت ملی و کسانی که از همین ارزش ها پاسداری می کردند، در آن شرایط هم شعارشان این بود که باید در انتخابات شرکت و حقوق اساسی ملت را مطالبه کرد. این شعار را همان موقع هم مطرح می کردند که ما در انتخابات شرکت می کنیم یا پیروز می شویم یا رسوا می کنیم. من فکر می کنم این تجربه تاریخی ما می تواند برای نسل امروز مفید باشد. پس از انقلاب هم روش ما همین بود. مجلس اول مجلس آزادی بود و همه می توانستند حضور پیدا بکنند. ما در انتخابات های دیگر حضور داشتیم و بحث آزادی و سلامت انتخابات را همیشه مطرح کردیم. اسناد و مدارک ما را نگاه کنید، ببینید سمینارهایی که ما برای سلامت انتخابات برگزار می کردیم با چه برخوردهایی مواجه می شد. وقتی که آن حداقل شرایط فراهم نمی شد بیانیه می دادیم که در آن انتخابات رای نمی دهیم. از مجلس پنجم که شرایط نسبی فراهم شد حضور و مشارکت بیشتری داشتیم. بنابراین در هر مقطعی متناسب با شرایط آن تاکتیک مناسب را اختیار کردیم. فکر می کنم تجربه صد سال اخیر و مقاطع مختلف می تواند برای تصمیم گیری احزاب سیاسی و فعالان سیاسی در شرایط کنونی مفید باشد.

البته باید تصریح کنم که گفتمان سیاسی در شرایط کنونی هم گفتمان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است و آن گفتمانی که در دهه چهل و پنجاه مطرح بود دیگر مطرح نیست. بنابراین ما با توجه به این گفتمان جهانی و واقع بینی، تاکتیک های خودمان را انتخاب می کنیم. ما فکر می کنیم تاکید بر آزادی، حقوق بشر و دموکراسی و شرکت در انتخابات و زمینه سازی برای رشد و آگاهی مردمی که حقوق سیاسی اجتماعی خودشان را مطالبه کنند در شرایط کنونی یکی از رسالت های است که هم احزاب سیاسی و هم رسانه ها باید دنبال کنند.

طی سالهای گذشته برخی از گروه های سیاسی و افراد مطرح موضوع تحریم انتخابات را مطرح کرده اند. در حالی که با توجه به ماهیت غیرحزبی رای دادن، بخش عمده ای از رای دهندگان، عملاً چنین موضوعی فاقد کارایی بوده است. به علاوه تصور اینکه دموکراسی - درهرشکلش - بخواهد با تحریم به کار بیاید اندکی دشوار است. شما این تاکتیک را چگونه ارزیابی می کنید؟

ببینید، بعضی از فعالان سیاسی در گذشته تاکتیک تحریم و عدم مشارکت را به عنوان تاکتیک انتخاب کرده و مورد عمل هم قرار داده اند. این تاکتیک در شرایطی که احزاب و گروه های سیاسی بتوانند اکثریتی از جامعه را بسیج و آنها را متقاعد کنند که مثلاً بیش از ۵۰ درصد مردم در انتخابات شرکت نکنند یک تاکتیک کاملاً دموکراتیک است و موثر. اما می دانیم که چنین تاکتیکی در شرایط کنونی کشور ما موثر نیست. تجربه گذشته هم نشان داده که تحریم جز منزوی کردن مردم نتیجه دیگری ندارد. بنابراین بهتر است که در شرایط کنونی نگاه مثبتی داشته باشیم و مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کنیم. تجربه چند انتخابات گذشته نشان می دهد که هر جا که مردم بیشتر حضور داشته اند، نتیجه انتخابات بیشتر در راستای منافع ملی ما بوده است. نمونه اش دوم خرداد سال ۷۶ است. در شورای شهر اول و سوم که حضور و مشارکت مردم بیشتر بود، شوراهای ملی تر و بیشتر در جهت مصالح ملی بوده است. در انتخابات شورای دوم با اینکه انتخابات از آزادی نسبی برخوردار بود، اما چون مردم شرکت نکردند، شوراهای در اختیار محافظه کاران قرار گرفت. همان موقع نهضت آزادی ایران در نشریه تحلیلی خود

تصریح کرد که مردم در شهرهای بزرگ و تهران خودزنی کردند و خود مردم هم در مرحله بعد در تحلیل نهایی به این جمع بندی رسیدند که دودستی امکانات شهر تهران را در در اختیار محافظه کارانی قرار دادند که سکوی پرشی شد برای انتخابات مجلس هفتم و انتخابات ریاست جمهوری بعدی. بنابراین هر وقت مردم حضور بیشتری داشتند، به رغم همه چالش هایی که شورای نگهبان به وجود آورده، وقتی انتخاب بین بد و بدتر بوده باز نتیجه به نفع مردم بوده است.

**با توجه به روندی که در خصوص انتخابات مجلس هشتم شکل گرفته است، چه تفاوت و شباهتی بین مجلس ششم اصلاحات، مجلس هفتم اصول گرا و مجلس پیش روی هشتم می بینید؟**

آنچه در مجلس ششم اتفاق افتاد زمینه هایی بود که در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ایجاد شده بود. مردم حضور داشتند و توانستند نمایندگان خود را انتخاب کنند. مجلس ششم هم علی رغم همه انتقاداتی که به آن وارد است اما در مجموع کارنامه درخشانی را در تاریخ پارلمانی ایران از خود برجای گذاشته است. پیامد شرایط دوران هشت ساله اصلاحات و شورای دوم و عدم حضور مردم باعث شد با بسته شدن فضای سیاسی ایران و سیاست های خاصی که شورای نگهبان اعمال کرد و رد صلاحیت گسترده ای که در خصوص جمع کثیری از داوطلبان انجام داد، مجلس هفتم شکل بگیرد. در مجلس هشتم به نظر می رسد جریان محافظه کار به دنبال تشکیل مجلسی شبیه مجلس هفتم است تا نمایندگانی انتخاب شوند که طرفدار محافظه کاران باشند و اگر اقلیتی هم وجود دارد، اقلیتی بی تاثیر باشد. این جریانی است که محافظه کاران دنبال می کنند اما اگر مردم حضور داشته باشند و ثبت نام کنند و کوشش کنند تا جریان را تغییر دهند موثر خواهد بود. در دوم خرداد جریان محافظه کار دنبال چه رییس جمهوری بود؟ آیا با حضور مردم آن جریان موفق شد؟ به نظر می رسد پیش بینی شرلیط ایران مشکل باشد اما در هر حال با حضور مردم - چه اینکه کسانی ثبت نام کنند و چه با حضور موثر در انتخابات - این احتمال وجود خواهد داشت که سناریویی که آنها برای برگزاری یک انتخابات مهره چینی شده و فرمایشی طراحی می کنند تا حدودی خنثی شود. اما اتفاقات روزهای آینده نشان خواهد داد که کدام گزینه در تحلیل نهایی به واقعیت نزدیک تر است.